



با خیال راحت بخوابیم. او اضافه می کند: خانه این همسایه ویلایی است و سنگ رادر حیاط نگه می دارد، به همین دلیل هر غریبه ای که از مقابل در خانه آن ها عبور می کند، صدای پارس او به گوش می رسد. یکی دوبار با چند نفر از همسایه ها از سروصدای حیوان شکایت کردیم، اول با آرامش جواب ما را می دادند و عذر خواهی می کردند اما الان دیگر برایشان اهمیت چندانی ندارد.

ایمانی ادامه می دهد: قبل از این همسایه ها در فصل گرما مرغ و خروس در خانه داشتند برای بچه هایشان جوجه می خریدند اما خرید سنگ به عنوان حیوان خانگی برای همسایه ها مزاحمت دارد و باعث سلب آسایش آن ها می شود.

باید به فکر سم پاشی قوی تری برای همه محله باشد. سید قطبی ادامه می دهد: وقتی در خانه آشپزی می کنم، می ترسم که بوی غذا موش ها را از جاهایی که مخفی شده اند بیرون بکشد؛ چون چند بار این جانور به سرعت از یک سمت خانه به سمت دیگری فرار کرده است.

### مزاحمت حیوانات به ظاهر خانگی

رضا ایمانی نیز از سروصدای حیواناتی که امروز به صورت خانگی نگهداری می شوند، گلّه می کند و می گوید: یکی از همسایه ها چند ماهی است که به اصرار فرزندش سگی خریده از همان روز اول صدای پارس های این حیوان برای همسایه ها مزاحمت ایجاد کرده است به طوری که ظهرها و شب ها نمی توانیم

ساکنان محله عید گاه گرفتار مشکلاتی هستند که امیدوارند از طریق شورای اجتماعی حل شود

## ناامنی و جولان موش ها

در چشم به هم زدنی صدلی چرخ دار در روز روشن برده بودند. کریمی اضافه می کند: موتور همسایه رانیز تازگی دزدیده اند. موتورش را قفل می کنند و با زنجیر به ستون چراغ برق می بندند اما وقتی برمی گردد زنجیر به دور ستون مانده بود. اوشکایت کرده اما بعید است موتورش پیدا شود.

### جولان موش ها در خانه و خیابان

بی بی سید قطبی که در کوچه باغ حسن خان زندگی می کند، از موش های خاکستری رنگی در جای جای محله می گوید که آسایش را از آن ها روده اند: صدای جویدن کارتون در خانه کم کم در دربار عادی می شود. چند باری تله گذاشتم اما فقط یکی از موش ها به دام افتاد. ترس حضور این موجود جونده از یک طرف، کثیفی و فضله هایی که در خانه پیدا می کنم از طرف دیگر زندگی روزمره را برایم سخت کرده است. اومی افزاید: یکی از همسایه ها می گوید که حتی شب ها هم در خیابان موش دیده است. به همین دلیل موضوع را به شهرداری گفتیم و چند پاکت سم در خانه ما و همسایه ها گذاشتند اما هیچ تأثیری نداشت، باز هم ما اجرا همان است. چون وقتی بعد از چند روز به خانه برگشتم، دیدم بیشتر وسایل خانه را جویده اند. اگر شهرداری می خواهد کاری بکند،

نجمه موسوی زاده - محله عید گاه یکی از محلات بسیار قدیمی شهر است که در نزدیکی حرم مطهر رضوی واقع شده است و ساکنان و کسبه آن این روزها با چند مشکل اصلی مواجه هستند: مشکلاتی که حتی چندین بار در جلسات شورای اجتماعی محله پایین خیابان مطرح شده است. این بار اما آن ها دغدغه های خود را با شهر آرا محله در میان گذاشته اند، شاید گرهی از مشکلاتشان باز شود.

### سرقت در روز روشن

زهره کریمی از ساکنان محله عید گاه ناامنی و سرقت را از اصلی ترین مشکلات محله می داند و می گوید: از زمانی که به دنیا آمدم، ساکن همین محله بودم، اما تا الان دزدی از خانه ها به این شکل نداشتیم. در یک سال گذشته تعداد دزدی ها به حدی زیاد شده است که نمی توانیم برای ساعتی خانه های خود را خالی بگذاریم.

او ادامه می دهد: یک ماه پیش زمانی که صدلی چرخ دار را روی پله های ورودی خانه قرار داده بودم تا مادر مرا به بیرون ببرم، برای یک دقیقه خواستم دست مادرم را بگیرم و به او کمک کنم، اما تا چشم برگرداندم از صدلی چرخ دار خبری نبود. هر چقدر داخل کوچه را نگاه کردم حتی عابر پیاده ای ندیدم.



نیاز دارد و اگر کسی به طور منظم دوچرخه سواری می کند، باید سالی یک بار وسیله اش را برای بررسی بیاورد تا سرویس شود.

بیشتر مشتریان او قدیمی هستند اما نشانی مغازه اش را بسیاری دارند و از نقاط مختلف شهر برای تعمیر می آیند: «روزی مردی برای تعمیر دوچرخه اش به مغازه آمد و گفت تا کنون دوچرخه اش را به چند مغازه تعمیراتی برده اما درست نشده و چند ماهی است که این وسیله در خانه خاک می خورد. یکی از دوستانش من را معرفی کرده بود. دوچرخه اش را تعمیر کردم اما باور نمی کرد تا اینکه چند روز بعد از سوار شدن و مطمئن شدن از کارم، برای تشکر به مغازه آمد.»

ابزارش را تجربه ای می داند که با خود به همراه دارد: «با وجود اینکه در چند سال گذشته شهرداری و شهروندان تبلیغات زیادی برای استفاده از دوچرخه انجام داده اند و تعداد سوارکاران نیز زیاد شده، مغازه تعمیراتی کم است و بیشتر، فروشگاه های فروش در شهر وجود دارند.»

### سالی یک بار دوچرخه خود را سرویس کنید

رحیم زاده بهترین کار برای جلوگیری از خراب شدن قطعات دوچرخه سرویس کردن به هنگام این وسیله می داند و می گوید: «همان طور که باید روغن یا آب خود رو تعویض و بررسی شود، دوچرخه هم به بررسی

دوچرخه سازی قدیمی محله در یاد می گوید «سرویس کردن» بهترین راه نگهداری از این وسیله است

## پیشگیری بهتر از درمان

(در یاد) می آید و مغازه خودش را راه می اندازد: «دوچرخه جای خودش را باز کرده بود و بیشتر افراد حتی برای رفتن به سر کار از آن استفاده می کردند. برای همین هم لازم بود این دوچرخه ها که صدمه می بینند یا ترمز آن ها خراب می شود، تعمیر شوند. چه و خم کار را یاد گرفته بودم و هر چه می گذشت، تجربه ام بیشتر می شد. زمانی که مشتری می آمد، کافی بود دهان باز کند و مشکلیش را بگوید، بلافاصله می فهمیدم باید چه کاری برای تعمیر انجام دهم.» او در باره اینکه چطور عیب و ایراد دوچرخه را تشخیص می دهد، می گوید: «قطعات دوچرخه ها معمول است و شامل ترمز، زنجیر، دنده، لاستیک، تیوپ، پره های چرخ و... می شود. دوچرخه سواران باید دوچرخه های خود را هر چند وقت یک بار سرویس کنند و به ویژه اگر مدتی از آن استفاده نکرده باشند، چون دوچرخه هم مثل خود ربه رسیدگی نیاز دارد.»

### لوازم دوچرخه تاریخ مصرف دارد

رحیم زاده می افزاید: «لاستیک ها و تیوپ دوچرخه تاریخ مصرف دارد و بعد از چند سال دیگر کارایی گذشته خود را ندارند و باید عوض شود و یا تصور اینکه با لاستیک درست است نمی توان از آن استفاده کرد. سیم و روکش ترمز نیز به دلیل استفاده بیش از حد باید تعویض شود. یکی دیگر از قطعات مهم دوچرخه کاسه دو شاخ است و هر چند وقت باید آن ها را تنظیم کرد یا اگر نوع قدیمی بود باید گریس کاری کرد. ابزار کارش در ظاهر همان انبردست، چکش، آچار، دستگاه جوش و... است. اما رحیم زاده اصلی ترین

نجمه موسوی زاده چرخ های کوچک و بزرگ از سقف آویزان شده است. در ورودی مغازه هم دوچرخه هایی با اندازه کوچک برای کودکان و چند دوچرخه بزرگ برای بزرگسالان به چشم می خورد. مرد با ابزار ریزی که به درستی نمی دانیم چیست، مشغول تعمیر یکی از قطعات دوچرخه است. در کارش غرق شده است، اما حواسش به اطرافش هست و در همان نگاه اول متوجه می شود که برای تعمیر دوچرخه به سراغ او نرفته ایم. «تقی رحیم زاده» متولد ۱۳۲۰ از هفت سالگی کنار پدر در مغازه دوچرخه سازی مشغول به کار می شود تا علاوه بر کمک هنری نیز بیاموزد. حالا ۷۳ سال از آن زمان می گذرد و تجربه ای که در این سال ها کسب کرده باعث شده است از نقاط مختلف شهر برای تعمیر دوچرخه مشتریانی داشته باشد.

### زمانی که دوچرخه جای خود را باز کرد

چین های پیشانی و دستانی که جای زخم های کوچک دارد و رنگ آن ها تیره تر شده است. از سال ها فعالیت او نشان دارد. می گوید: «۸۰ سال پیش که خبری از خود ربه در خیابان ها نبود مردم با درشکه رفت و آمد می کردند، مغازه پدری ام اول دروازه نوغان قرار داشت. آن موقع افراد کمی دوچرخه داشتند، برای همین هم کار تعمیر کمتر بود، اما ۲۰ دوچرخه کرایه ای در مغازه داشتیم که روزانه پاشب های جمعه تار و اول هفته به مردم کرایه می دادیم.»

حدود ۵۵ سال پیش رحیم زاده به خیابان کاشانی